



۲۲/۰۸/۲۰۱۸

فضل الرحمن فاضل
تهیه و ترتیب از: احسان لمر

علامه استاد صلاح الدین سلجوقی

«صلاح الدین سلجوقی» یک نو اندیش مسلمان بود. افکار او بیشتر تحت تاثیر مکتب ماندگار «سید جمال الدین افغان» می باشد، بخصوص بعد از اینکه به سفارت مصر گمارده شد بیش از پیش تحت تاثیر آثار و افکار «سید» قرار گرفته بود. پیروان مکتب «سید جمال الدین» قائل به اقتباس از غرب بودند و غرب را به طور کامل رد نمی کردند بلکه فراگیری علوم و فنون غربی را لازمه پیشرفت جامعه اسلامی می دانستند و «سلجوقی» نیز بر همین عقیده بود. ۱. لمر

«صلاح الدین سلجوقی»، پسر ارشد و دانشمند «مفتی سراج الدین سلجوقی» و از علم برداران فلسفه، ادب و تصوف نیمه اول قرن چهاردهم هجری خورشیدی در افغانستان است.

«مولانا محمد حنیف بلخی» در تذکره «پر طاووس» در مورد او چنین می نگارد: " در سال 1313 هجری قمری در بلده باستانی هرات چشم به دنیا گشوده است و با استعدادی که در نهاد او موجود بود، از شفق داغ جوانی آثار نبوغ در پیشانی اش خوانده می شد. چنانچه «آثار هرات» در باره اش گفته که: "سلجوقی روح بسیار دانای هرات است" 1

مقام او از آن بلند است که بگویم او در دوره حیاتش در معارف، در مطبوعات، در وزارت خارجه و در داخل و خارج کشور کرسی های مهمی را اشغال و به هموطنانش خدمت کرده است. چه او مرد ادیب، دانشمند، مورخ، دیپلمات، نطق، صوفی و فیلسوف بود که هیچگاه مناصب رسمی فصل ممیز چند و چون زندگی اش شده نه می تواند. او فرصتی که نخستین اثر زیبای خود «افکار شاعر» را می نگاشت، وقتی که با افکار حضرت «ابو المعانی بیدل» رسید، چنین نوشت "امروز می خواهم با افکار شاعری تماس کنم که ریشه بر قلم و لرزه بر اندام می اندازد"، اکنون این راقم الحروف که پیرامون زندگی این مرد بزرگ قلم برداشته ام، من هم در دل خانه و اعصابم یک نوع شور و ارتعاش را احساس می کنم.



او بیدلی است پخته و ژرف، حافظ شناس سرشار و مولینا دوست با معرفت بود، افکار خاقانی را ستایش می کرد و در دریای گلشن راز شیخ محمود شبستری، شناسایی داشت. او اگر در نوشته هایش به افکار فلاسفه تماس می گرفت آن قدر پر قدرت و چیره دست بود که هر موضوع فلسفی را به زیبایی جلال و جمال روحی و معنوی آب و رنگ می بخشید.

«مقدمه اخلاق» او واقعاً یک اثر پر ارج و یک حلقه وصل تازه، بین اخلاق و روش قدیم و جدید گفته می شود. اثر او به نام «اخلاق نیکو ماکوسی» در حقیقت یک اثر زینده و انگیزنده در طریق فلسفه و اخلاق است. «جبیره» اش با

مضامین دلکش خود، جبران بزرگی است در برابر روشهای ناقص اخلاقی و اجتماعی مردم. «نقد بیدل» او یک ره گشای مدلی است در بیدل شناسی. او در این اثر نغز با در نظر گرفتن ابیات منتخبه ابوالمعانی می رساند که عشق، ادب و عرفان چگونه با هم آمیزش دارند و چسان دل و دماغ آدمی به راه معنوی و به سوی ماوراء الطبیعت رهنمونی می کنند.

1 دوست ارجمندم «سعد الدین سلجوقی» برادر زاده «علامه صلاح الدین سلجوقی» و پسر شادروان «سیف الدین مستمند سلجوقی» (برادر کهنتر علامه) به استناد یاد داشت های پدر ارجمندش به راقم السطور گفته است: " «استاد صلاح الدین سلجوقی» به تاریخ 6 سنبله 1271 هجری خورشیدی (1892/08/27 م) تولد شده است؛ در حالی که در سایر تذکره ها، سال تولد استاد را 1274 یا 1275 گفته اند، اما سال 1271 قرین صحت معلوم می شود و از فوتوهای استاد که هنگام ایفای وظیفه در قاهره، برداشته شده است، عمر ایشان را در آن دوران، بالاتر از شصت سال نشان می دهد. هم چنان سال تولد مرحوم «مفتی سراج الدین سلجوقی» پدر «علامه سلجوقی» را اکثر نویسندگان سال 1288 هجری قمری (1871 م) نوشته اند و باز هم به استناد فرموده آقای «سعد الدین سلجوقی»، مفتی صاحب مرحوم در سال 1243 شمسی (1864 م) تولد و در سال 1335 شمسی (1956 م) وفات یافته و در وقت رحلت، عمر ایشان 92 سال بوده است

رساله «زیبایی شناسی {نگاهی به زیبایی}» او که مشحون از بحث زیبایی های طبیعت است، چشم خواننده را جانب رامشگری های خلقت و طبیعت باز و از آنجا به تماشای عالم برین دعوت می نماید.

اثر ارزنده دیگرش «تجلی خدا در آفاق و انفس» آن چنان انعکاس دهنده جمال و جلال معنوی است که دست انسان را گرفته به آنسوی گردون می کشاند. شیرازه بندی مضامین و افکار عالی که درین اثر پرمحتوا به نظر می آید، خواننده را وادار می سازد که در پیشگاه بزرگواری این علامه، به زانو در آید و تسلیمش شود.

مطالعه کتاب او «محمد در شیرخوارگی» که هر فقره و پراگراف آن زندگی یک یتیم جاوید را ترسیم می کند خواننده را با دیدگان اشک آلود وادی به وادی، به سرزمین مقدس می کشاند؛ در بیت الحرام، و در آستان خانه خدا، در جوار زمزم، در خالیگاه میان صفا و مروه، در خانه عبدالمطلب، در کوچه های مکه، در حجره منزله آمنه، در سراشیب جبال فاران و ابوقییس، در پیشاپیش کاروان طایف و در هودج و آغوش حلیمه مرضعه طواف می دهد، عالم دیگری دارد. مدح و چند و چون آن را خود همان کتاب مرحوم سلجوقی ادا و بیان کرده می تواند و بس.

کتاب «تقویم انسان» او که می تواند از لابلای مضامین آن، به اوج های مقام آدمی پی برد؛ یادگار پر افتخار دیگری است که از آن علامه بزرگ به جا مانده است" 2

ماموریت های دولتی استاد را چنین شمرده اند:

استاد که در نو جوانی به نام " نابغه کوچک" شهرت کسب کرده بود، در زمان سراج الملة والدین «امیر حبیب الله خان» به کابل آمد و امتحان "افتا" را سپری کرد و به حیث مفتی به هرات اعزام شد. در زمان سلطنت «امان الله خان» به کابل آمد و به حیث آموزگار در مکتب حبیبیه مقرر شد. آن گاه که «شجاع الدوله» رئیس تنظیمیه هرات مقرر گردید، «استاد سلجوقی» به حیث مدیر معارف هرات مقرر شد و هم زمان با آن مدیر مسئول جریده " اتفاق اسلام" هم بود که «استاد سلجوقی» نام آن را به "فریاد" تغییر داد.

«استاد سلجوقی» بعد از یک دوره کار سه ساله، دوباره وارد کابل شد و در دارالتألیف وزارت معارف به کار گماشته شد و چندین کتاب درسی را تألیف و به چاپ رساند و در تصحیح و ویرایش تالیفات دیگران نیز سهم گرفت.

استاد سلجوقی در همین دوران پادشاهی «شاه امان الله خان» عضویت در دار التحریر شاهی را نیز در کارنامه خود دارد که در گذشته ها آن را وظیفه "دبیری" می گفتند و مدت سه سال در آن سمت خدمت کرد.

«استاد سلجوقی» در عهد امارت «امیر حبیب الله کلکانی» به عنوان یکی از طرفداران «شاه امان الله خان» مدتی زندانی گردید، اما بعد از اندک مدت از زندان رها و رهسپار هرات شد و انزوا اختیار کرد و به مطالعات شخصی ادامه داد تا این که «محمد نادرشاه» او را به کابل فرا خواند. او نخست به حیث مدیر مطبوعات وزارت خارجه، سپس به حیث قونسل افغانستان در بمبئی و بعدا به حیث جنرال قونسل افغانستان در دهلی ایفای وظیفه کرد و در همین دوران با «داکتر محمد اقبال لاهوری» که هنوز حیات داشت، طرح دوستی ریخت.

از آنجایی که او در عهد سلطنت «محمد نادرشاه» در سال 1310 هجری خورشیدی در بمبئی به حیث قونسل افغانستان ایفای وظیفه می کرد و قبلا هم در افغانستان در لیسه حبیبیه آموزگار بود و در زمان «شاه امان الله خان» در دارالتألیف وزارت معارف افغانستان به تهیه نصاب درسی و تألیف کتاب های آموزشی مصروف بود و از جانب دیگر با «داکتر محمد اقبال



لاهوری» نیز در این دروان طرح آشنایی ریخته بود، احتمال زیاد دارد که در دعوت «داکتر اقبال» و «مولانا سید سلیمان ندوی» و «سر راس مسعود» (نوه سر سید احمد خان) در سال 1312 هجری خورشیدی (1933م) جهت تهیه نصاب تعلیمی به آموزشگاه های افغانستان، نقش محوری داشته باشد.

در سال 1317 هجری خورشیدی اولین رئیس ریاست نو تاسیس و مستقل مطبوعات (اکنون وزارت اطلاعات و فرهنگ) مقرر گردید و رادیوی کابل در همه ابعاد، ترقی بیشتر کرد و بازار نشر و چاپ و تالیف و ترجمه در این دوران، رونق بیشتر گرفت. استاد در سال 1327 هجری خورشیدی کار های حکومتی را کنار گذاشت و به عنوان نماینده مردم هرات وکیل شورا یا پارلمان افغانستان شد {دوره 7 شورای ملی - لمر} تا اینکه در سال 1333 هجری خورشیدی به حیث سفیر افغانستان در قاهره مقرر گردید که

این وظیفه را تا ثور سال 1341 هجری خورشیدی ادامه داد.

2) پر طاووس جلد دوم ، صفحات 831-834 ، چاپ سفارت افغانستان در قاهره.

استاد در اواخر عمر بیمار شد که داستان بیماری اش را همسر عزیزش بانو «حمیرا سلجوقی» در مقدمه کتاب " تجلی خدا در آفاق و انفس" این گونه، به تصویر کشیده است:

"عزیزم «صلاح الدین» در «راز و نیاز» که به دیباچه این کتاب جای دارد، آن آیه شریفه را از سوره مبارکه «حضرت یوسف (ع)» آورده است که پیغمبر موصوف در آن، با این کائنات وداع کرده بود و من می ترسیدم که یوسف من نیز این کار را کرده باشد، مخصوصاً که او بعد از انجام این کتاب بدون وقفه ، به حمله ثانی و شدید خناق قلبی گرفتار آمد و تا حال تقریباً ده ماه است که با خامه روح بخش خود در بستر است. اگر چه خودش کنون نیروی کمی از گویایی یافته است، ولی خامه اش هنوز خموش است.

این زمزمه او که غالباً در آوان استراحت خود از شعر خاقانی می کرد دائم در گوش من طنین انداز است:

ضمیر من امیر آب حیوان زبان من شبان وادی ایمن
کبوتر خانه روحانیان را نقطه های سر کلک من ارزن

این را به جز از خدای علام الغیوب کسی نمی داند که من پیشتر به جوار آن خدای مهربان خود خواهم رفت یا او؟ ولی طوری که مرگ حق و یقین است، این هم حق و یقین است که پیوند روحانی و رابطه فضیلت هیچ گاه گسستگی نیست و چون این دو سروش آسمانی از جانب خداوند بیچون به این خاکدان فرود آمده است، طبیعی است که از امواج حرکات شش و قلب و هم از قیود زمان و مکان آزاد است و ازین رو جاویدانی است و تا ماورای گور و نیز تا ابد الابد زنده می ماند.

نه پنج روزه عمر است وصف روی تو ما را

وجدت رائحة الودان شممت رفتاری

کنون من صبح وشام به تیمار او مصروفم، و پگاه و بیگاه دعا و رضای او را به دست می آورم و به کمال صیوری، به صحت و سعادت و آرامی جسم و روح او به حضور خداوند کریم و مهربان دعا می کنم و جز این، دیگر راه و وسیله ندارم.

از صبر عاشق خوش تر نباشد

صبر از خدا خواه! صبر از خدا خواه"3

«علامه صلاح الدین سلجوقی» سرانجام در 16 جوزای 1349 هجری خورشیدی (6 جون 1970م) داعی اجل را لیک گفت و در شهدای صالحین به خاک سپرده شد. وفات او افغانستان و جهان عرب را لرزاند. «انور السادات» رئیس جمهور مصر به مناسبت وفاتش تعزیت نامه فرستاد. رادیو کابل و نشرات چاپی از استاد مرحوم یاد آور شدند و در رثای او مقالات و مرثیه های زیادی از طرف ارادت مندان به نشر رسید که به گونه نمونه مرثیه ای را که «استاد خلیلی» و «استاد پژواک» در مورد او سروده اند در اینجا می آورم:

بعد از وفات «علامه سلجوقی»، «استاد خلیلی» در رثای او چنین سرود:

خورشید اهل علم، بلند اسمان فضل	سلجوقی آنکه دهر بنازد به نام وی
بعد از وفات حضرت جامی دگر ندید	شمعی به روشنایی وی محفل هری
فرهنگ شرق و غرب به بال کمال خویش	شهباز فکر چرخ نوردش نمد طی
رازی که حل نگشت به قانون بوعلی	از مولوی شنیده به سوزنده سازنی
سال وفات وی چو خلیل ز طبع جست	
گفتا که " باد رحمت عام خدا بر وی:"	

3) از مقدمه محترمه حمیرا سلجوقی بر کتاب " تجلی خدا در آفاق و انفس "

و «استاد عبد الرحمن پژواک» در رثای او گوید:

ار چه گریه به چیزی که از رضای خداست	به نص دین و به دستور عقل هر دو خطاست
بمیرد عقل چو استاد دین و دانش مرد	چو عقل مرد، توان رضا و صبر کجاست
به حیرتم که چسان آسمان نمی افتاد	که او فتاد و هنوز این بنای هرزه زیباست
ز هم دمان تو آنجا سنایی و عطار	ز رهبران تو آنجای شمس و مولاناست
ستاره حافظ و سعدیست بر یسار ویمین	نشسته بیدل و خاقانی اند بر چپ و راست
تو رفتی و همه مردگان زنده هنوز	بین تفاوت ره از کجای ته به کجاست

سیه پوش چو پژواک ای جوان امروز

که مرگ پیر طریقت مصیبت برناست



اینجانب با نخستین روزهای ورود به قاهره از نقش، اهمیت و شهرت قبلی «علامه سلجوقی» و اثر گذاری او در گسترش روابط میان افغانستان و مصر آگاهی داشتم. از همین رو به مثابه ارجگذاری از فعالیت های گسترده او، محل متروکی را برای کتابخانه سفارت باز سازی کردیم و نام آن را نیز " کتابخانه علامه صلاح الدین سلجوقی " گذاشتم . افزون بر آن، به نشر مجدد شماری از کتاب های او و یا آنچه

در مورد وی نگاشته شده بود، همت گماشتم که در زیر به برخی اشارت صورت می‌گیرد:



1 چاپ مجدد کتاب **"أثر الإسلام في العلوم والفنون"** که این کتاب نخستین بار در سال 1375 هجری قمری به چاپ رسیده بود و در سال 1435 هجری قمری (2014م) شصت سال بعد از چاپ نخست، از طرف سفارت تجدید چاپ گردید و بار سوم در رمضان 1438 هجری قمری (2017م) برای سومین بار به چاپ رسید.

2 ترجمه کتاب مشهور علامه؛ یعنی تجلی خدا در آفاق و انفس که به زبان عربی تحت عنوان **"تجلی الله في الأفق والآنفس"** توسط پژوهشگر مصری بانو **"می فوزی نصار"** از زبان فارسی به زبان عربی ترجمه شده است و پژوهشگر یادشده، ماستری خویش را با این ترجمه، از پوهنتون الازهر به دست آورده است.

3 کتاب **"الأديب الأفغاني المعاصر العلامة صلاح الدين سلجوقي آراء وأفكار"** که توسط بانو **"می فوزی محمود نصار"**، دانشجوی مرحله داکتری زبان و ادبیات فارسی ازهر شریف در مورد زندگینامه، آثار و اندیشه های **"علامه سلجوقی"** نگاشته شده است. این رساله در سرطان 1394 هجری خورشیدی از طرف بخش فرهنگی سفارت افغانستان در قاهره اقبال چاپ یافته است.

4 رساله **"تأثير اسلام بر فلسفه و هنر"** که توسط آقای **"خواجه بشیر احمد انصاری"** از عربی به فارسی ترجمه شده و این رساله همراه با متن عربی آن از طرف سفارت در قاهره به چاپ رسیده است.

5 رساله **"المناجات (راز و نیاز)"** که در حقیقت مقدمه کتاب وزین **"تجلی خدا در آفاق و انفس"** است و توسط بانو **"می فوزی نصار"** به عربی ترجمه و از طرف بخش فرهنگی سفارت به چاپ رسیده است.

6 نشر مجدد رساله **"«علامه سلجوقی» نویسنده مقتدر و عالی مقام"** که آقای غلام حبیب نوابی در حدود ۱۳ مقاله و نیشته **"علامه سلجوقی"** را گرد آورده و نخستین بار آن را در سال ۱۳۳۲ هجری خورشیدی در فیض آباد بدخشان به چاپ رسانده بود. رساله یاد شده در سال 1380 در پشاور تجدید چاپ گردید و ما آن را در قاهره در سال 1395 هجری خورشیدی، برای سومین بار به چاپ رساندیم.

7 کتاب **"افکار شاعر"** یکی از آثار ارزشمند **"استاد سلجوقی"** است که در 280 صفحه به مناسبت یک صد و بیستمین سالگرد تولد استاد، در قاهره تجدید چاپ گردید.

فعالیت های فرهنگی **"استاد سلجوقی"** حین تصدی سفارت افغانستان در قاهره، نهایت برجسته است. ازهر شریف و سایر نهاد های دینی و علمی بار بار میزبان **"علامه سلجوقی"** بودند تا او راجع به موضوعات گوناگون سخنرانی کند و این سخنرانی های او **"مجمع اللغة العربية"** یا مهمترین فرهنگستان زبان و ادبیات در جهان عرب را وا داشته بود تا علامه را به حیث عضو آن فرهنگستان بپذیرد و استاد هم راجع به زبان و ادبیات عربی حرف های تازه و بکری به شنوندگان عرب خویش گفته بود که از جمله سخنرانی مشهور او راجع به زبان فصیح عربی تحت عنوان **"اللهجات العامية فرقت بين الأمم"** است که ادیبان بلند قامتی چون **"عباس محمود العقاد"** و **"دکتور منصور فهمی"** و سایر اعضای فرهنگستان را وا داشته بود تا لب به تحسین **"علامه سلجوقی"** بکشایند.

از کارهای ماندگار **"استاد سلجوقی"** حین تصدی سفارت مصر در قاهره، نقد و رد او به زبان عربی بر **میرزا لطف الله خان اسد آبادی** است. همان شخصی که ادعا داشت **خواهر زاده سید جمال الدین افغانی** است و در سال ۱۹۲۶م رساله ای را در برلین به نام **"شرح حال و آثار سید جمال الدین اسد آبادی معروف به افغانی"** به چاپ رسانده بود. این کتاب در سال ۱۹۵۷م سالهایی که **"علامه سلجوقی"** در قاهره به حیث سفیر افغانستان ایفای وظیفه می کرد توسط یک تن مصری به نام **"دکتور عبد النعیم حسنین"** و یک تن ایرانی به نام استاد **"صادق نشأت"** به زبان عربی ترجمه و با تعلیقات و حواشی تحت عنوان **"جمال الدین الأسد آبادی المعروف بالأفغاني"**، کما یقدمه ابن آخته **میرزا لطف الله خان** به چاپ رسید، کتاب یاد شده که **"سید جمال الدین افغانی"** را می خواست ایرانی ثابت کند، باعث ایجاد غوغایی در مصر گردید و **"علامه سلجوقی"** با نشر مقالات و ارائه سخنرانی ها، آن همه ادعا ها را نقش بر آب کرد. یکی از این سخنرانی هایی که **"علامه سلجوقی"** راجع به **"سید**

جمال‌الدین افغانی» در مرکز جمعیت "الشبان المسلمین" (جوانان مسلمان) ایراد کرد، خشم مطبوعات ایرانی را بر افروخت و روزنامه "دنیا" در شماره مورخ 1337/2/20 خویش نوشت: "سفیر کبیر افغانستان به کسری انوشیروان داد گستر، حمله شدید نمود و یک شاه داد گر ساسانی را استعمارطلب بزرگ شرق نام نهاد"

این خبر که تحت عنوان دومی "اعتراض دولت ایران به دولت افغانستان" درج شده، در تفصیل آن آمده است: "جریان کنفرانس «صلاح الدین سلجوقی» سفیر کبیر افغانستان در مصر در باره ملیت «سید جمال الدین اسدآبادی» معروف به «افغانی»، به ایران رسید و در این دو روز مورد مطالعه مقامات دولتی قرار گرفت. «صلاح الدین سلجوقی» اخیراً طی بیاناتی که در تالار جمعیت شبان المسلمین قاهره ایراد کرد ضمن شرح زندگی «سید جمال الدین» و رد ادعاهای ایرانی ها در ملیت اسدآبادی او، شدیداً به کسری «انوشیروان»، شاهنشاه دادگستر ساسانی حمله کرد و گفت: کسری از استعمار طلبان بزرگ شرق بود که حکام زیر دست او، بنده و غلامی بیش نبودند.

سفیر کبیر افغانستان در قاهره سپس به ذکر اوصاف و کردار و رفتار انوشیروان داد گر پرداخت و تهمت های زننده به این پادشاه نامی ایران داد و سپس کمونیسم و مزدک فارسی و قوم پهود و کسری را با هم مقایسه کرد و گفت: کسری سرآمد همه بود و بلاد خداوند را تحت استعمار خود قرار داده بود.

به قرار اطلاع، قرار است به «محمد شایسته» سفیر کبیر ایران در افغانستان تعلیمات کلی داده شود تا با وزیر امور خارجه افغانستان، با نقد بیانات «صلاح الدین سلجوقی» که اتفاقاً جنبه و همی هم داشت، گله نماید و از اوصاف کسری انوشیروان دادگر، اطلاعاتی به افغان ها بدهد و جبران نطق مذکور را جدا خواستار گردد.

«صلاح الدین سلجوقی» وقتی که از عکس العمل ایرانیان اطلاع حاصل می‌کند در نامه ای که به وزیر امور خارجه می‌نویسد راجع به نشر خبر روزنامه دنیا می‌گوید: "... را به دقت خواندم و مرا خنده گرفت از سخاقت و پا در هوا بودن روزنامه "دنیا" اگرچه از طرف دیگر جای گریه هم بود. در باره این که نوشته است من نوشیروان را دشنام داده ام، من می‌گویم که در آن مجلس نام نوشیروان گرفته نشده است. ایشان لفظ "کسری" را خیال نوشیروان کرده اند. ولی کسری لقب هر پادشاه فارس و مخصوصاً ساسانی است و کسری معرب است از "خسرو" طوری که قیصر نیز مخصوص "جولیس سیزر" نیست و لقب عمومی است به پادشاهان روم و این است طوری که در نطق من آمده است "اکاسره" جمع کسری و قیاسره جمع قیصر است که کسی اسم علم را جمع نمی‌کند و گفته نه می‌شود، رضا ها و حسین ها "«علامه سلجوقی» در پایان می‌نویسد: "حاضر به هر ایرانی در هر جایی که بخواهد در این موضوع با او مباحثه کنم و به محکمه ای که بخواهد با او حاضر گردم". 4

4) بخشی از نامه شماره 954 مورخ 1337/5/7 هـ ش علامه سلجوقی عنوانی وزیر امورخارجه افغانستان.

فعالیت بارز دوم «علامه سلجوقی» در این راستا، طرح آشنایی با نویسنده مشهور «شیخ محمود ابوریه»، «سید جمال الدین» شناس مصری است. «ابوریه» در مورد سید قبل از چهار عنوان کتاب نوشته بود و وزیر معارف افغانستان به عنوان سپاسگزاری، نامه امتنانیه و یک تخته قالیچه افغانی را هم به موصوف تحفه فرستاده بود.

«علامه سلجوقی» و «شیخ ابوریه» با همکاری هم کتاب "الرد علی الدهریین" یا ترجمه عربی رساله "نیچریه" سید را آماده چاپ نموده و در سال 1960 م به چاپ رساندند. «استاد سلجوقی» بر کتاب یاد شده مقدمه جالب و فراگیری را در ۲۲ صفحه نگاشته است. در آن مقدمه در حالی که خلاصه و فشرده آن کتاب را بیان نموده، در مورد «سید جمال الدین» حرف های جالب دیگر نیز گفته است. این مقدمه تحت عنوان "مقدمه بقلم الفیلسوف صلاح الدین سلجوقی سفیر افغانستان فی جمهوریة العربیة المتحدة" بر صدر کتاب "الرد علی الدهریین" آمده است. 5

در جمع دست آوردهای «علامه سلجوقی» در قاهره، می‌توان به مساعد ساختن زمینه امضای قرارداد ثقافتی میان دولت شاهی افغانستان و دولت جمهوری مصر به تاریخ 20 مارچ 1956م نیز اشارت کرد که باب جدید گسترش روابط فرهنگی میان دو کشور کشور شده و شاگردان زیادی جهت تحصیل رهسپار مصر شدند و همچنان شماری از مصریان در چوکات همکاری میان رادیو قاهره و رادیو کابل جهت آموزش و فراگیری زبان پشتو و فارسی عازم کابل گردیدند. یکی از این دانش آموخته‌ها،

پروفسور «دکتر عفاف السید زیدان» است که با استفاده از بورس تحصیلی افغانستان از سال 1968 م تا سال 1971 م برای آموختن زبان فارسی و کار روی سند داکتری اش در دانشگاه کابل، زیر نظر استادانی نظیر «استاد خلیل الله خلیلی»، «پروفسور محمد سرور همایون»، «علامه عبد الحی حبیبی» و «پوهاند دکتر عبد الاحمد جاوید» سپری کرد.

همچنان زمینه امضای موافقت نامه خدمات هوایی میان دولت پادشاهی افغانستان و دولت جمهوری لبنان نیز به «صلاح الدین سلجوقی» سفیر افغانستان در قاهره تفویض گردید و صلاحیت نامه عنوانی موصوف به تاریخ 2 میزان 1337 هجری خورشیدی (24 سپتمبر 1958 م) از طرف «محمد نعیم» وزیر امور خارجه و معاون دوم صدارت عظمی صادر گردید.

افزون بر آن، با تلاش های «استاد سلجوقی» موافقتنامه تجارت در هفت ماده، میان افغانستان و جمهوری عربی متحد به تاریخ 20 حمل 1339 برابر با 9 اپریل 1960 م در کابل به امضا رسید. این موافقتنامه مهم را «غلام محمد شیرزاد» وزیر تجارت افغانستان و آقای «محمود بدوی الشیتی» معاون وزارت اقتصاد جمهوری متحد عرب به امضا رساندند که اسناد مصدقه آن به تاریخ 15 میزان 1342 برابر با 8 اکتوبر 1963 م توسط «غلام محمد سلیمان» سفیر افغانستان در قاهره و «آقای حسین خالد حمدي» تبادل شده است.

«علامه سلجوقی» که در اواخر ماموریت در قاهره، به حیث شیخ السفراء و به اصطلاح عربی " عمید السلك الدبلوماسی" در مصر شناخته می شد در یکی از کنفرانس های مهم ریاست عمومی فرهنگ اسلامی جامع الازهر شریف به تاریخ 5 مارچ 1960 م در مورد شرح و تفسیر آیت مبارکه "و كذلك جعلناکم أمة وسطا" بیانیه مبسوطی ایراد کرد که شنوندگان و حاضران را به وجد آورد. «دکتر محمد البهی» که بعدا به حیث وزیر اوقاف تعیین شد، او را و داشت افزون بر سپاسگزاری از حضور و سخنرانی «علامه سلجوقی»، طی نامه رسمی چنین بنگارد:

" يسر الإدارة العامة للثقافة الإسلامية باسم مشيخة الجامع الأزهر أن تتقدم إلى سيادتكم بأخلص شكرها و عميق تقديرها للدور الكبير الذي أسهمتم به على منبر القاعة الأزهرية الكبرى في تنوير رأي العام و توجيهه إلى الوسائل والأسس السياسية التي تكفل الوصول إلى ما نرجوه جميعا لوطننا العربي و مجتمعنا الإسلامي من عزة و مجد و ازدهار ."

محصلان افغان آن زمان در مصر مثل «محمد موسی شفیق»، «غلام محمد نیازی»، «محمد کبیر»، «مولانا محمد گلاب بشار»، «خان محمد شلگری»، «غلام صفدر پنجشیری»، «غلام محی الدین دری»، همیش از لطف و توجه او بر خوردار بودند. همچنان در زمان سفارت «علامه سلجوقی» در پهلوی شمول در ازهر شریف، شاگردانی هم در رشته های زراعت، طب، اقتصاد و پولیس به قاهره آمدند که عبارت بودند از: «عبد الفتاح عطار»، «محمد یعقوب بارکزی»، «حبیب الله منصف»، «فیضان الحق»، «عبد الستار صافی»، «عبد الصمد ازهر»، «محمد جلیل شمس»، «محمد اکبر»، «سلام خان»، «محمد شفیق وجدان»، «عنایت الله رشید»، «عبد الغفور باهر»، «میر احمد شاه»، «محمد حبیب سراج»، «رحمت الله فخری» و «غلام مصطفی لطفی».

5) اینجانب نیز افتخار داشتم تا این کتاب را با مراجعه به متن اصلی "الرد علی الدهرین" چاپ شده در سال 1886 م و درج همه مقدمه هایی که در اواخر قرن 19 و قرن 20 بر کتاب یاد شده نگاشته شده بود؛ دو بار در قاهره به چاپ برسانم. چاپ نخست آن به مناسبت یک صد و پنجاهمین سالگرد نخستین ورود «سید» به قاهره و چاپ دوم آن به مناسبت یک صد و هشتادمین سالگرد تولد «سید جمال الدین افغانی» و مناسبت نصب تندیس سید در باغ آزادی قاهره در تابستان سال 1397 هجری خورشیدی (2018 م).



در زمانی که «علامه سلجوقی» در قاهره به حیث سفیر ایفای وظیفه می کرد، روابط رهبران افغانستان و مصر در سطح بالایی قرار داشت و در همین دوران «جمال عبد الناصر» و «محمد انور السادات» در ۱۹۵۵م بعد از پایان یافتن کنفرانس باندونگ در اندونیزیا به کابل رفتند و مورد استقبال گرم «شاه» و «محمد داود خان» صدراعظم افغانستان قرار گرفتند و در این سفر از آرامگاه «سید جمال الدین افغانی» در پوهنتون کابل نیز دیدار به عمل آوردند. همچنان «محمد ظاهرشاه» به تاریخ ۲۲ اکتوبر سال ۱۹۶۰م به قاهره آمد و یک هفته را در آن سپری کرد و برنامه فرهنگی مهمی تحت عنوان «هفته افغانستان» گشایش یافت، تیم های ورزشی افغانستان و مصر با هم مسابقه دوستانه دادند که «جمال عبد

الناصر» و «محمد ظاهر شاه» در استدیوم ورزشی قاهره جهت تماشای آن حاضر شده بودند. پوهنتون قاهره هم در همین سفر، به پادشاه افغانستان دوکترای افتخاری داد. همچنان در سال ۱۹۵۷م مرحوم «سردار محمد داود خان» صدراعظم افغانستان به قاهره سفر تاریخی اش را انجام داد. افزون بر آن «سردار محمد نعیم خان» وزیر امور خارجه، «عبدالرحمن پژواک»، «دکتور محمد یوسف خان»، «دکتور عبدالغفور روان فرهادی» و سایر بزرگان از قاهره بازدید به عمل آوردند. از تصادف نیک در کابل هم آقای «فرید ابو شادی» به حیث سفیر مصر و یا سفیر جمهوری متحد عرب ایفای وظیفه می کرد که شخصیت فعال، متشبه، آگاه و نزدیک به نظام مصر بود و با «استاد سلجوقی» نیز روابط دوستانه و مشورتی داشت و در راه گسترش روابط میان قاهره و کابل، نقش فراموش ناشدنی دارد. نامه هایی که از «فرید ابو شادی» در دست است، مطالعه آنها، عمق این پیوند را آفتابی می کند.

«دکتور نجیب کیلانی» ادیب نامور مصری که بیش از ۸۰ اثر دارد و به نام ادیب متعهد در جهان اسلام شناخته می شود، گفته است:

«اصطلاح "ادب اسلامي" را برای نخستین بار از زبان سفیر افغانستان «استاد صلاح الدین سلجوقی» شنیده است».

او می افزاید: «سلجوقی در شمار کسانی است که دایرة ادب اسلامي را گسترش داده اند».

پروفسور «دکتور شوقی ضیف» دانشمند و لغوی شهیر مصری که بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب ادبی، تاریخی و پژوهشی دارد، نوشته است: نظریه ادب اسلامي در نیمه دوم قرن بیست میلادی توسط «صلاح الدین سلجوقی»، «سید قطب»، و «دکتور نجیب کیلانی» به وجود آمده است.

از استاد «صلاح الدین سلجوقی» این آثار به نشر رسیده است:

۱- آئینه تجلی.

۲- اشعار پراکنده.

۳- گوشه ای از پیغام تو.

۴- مقدمه علم اخلاق.

۵- جبره.

۶-نگاهی به زیبایی.

۷-تجلی خدا در آفاق و انفاس.

۸-تقویم انسان.

۹-مقدمه وترجمه تہذیب الاخلاق ابن مسکویه .

۱۰ نقد بیدل .

۱۱-محمد (ص) در شیرخوارگی و خرد سالی (ترجمه) .

12 أضواء على ميادين العلم والفن و الفلسفة. (چاپ قاهره)

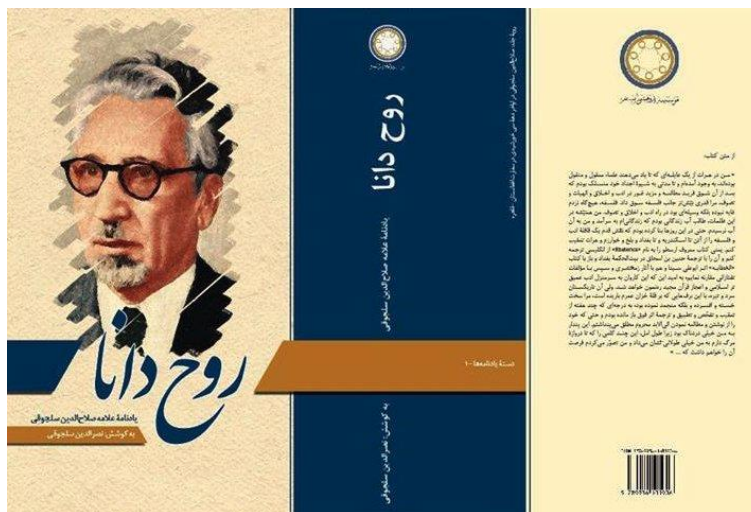
13 اثر الإسلام فی العلوم والفنون

14 نیخو ماخوسی (ترجمه اثر ارسطو)

15 افسانہ فردا. (چاپ اسلام آباد)

{ روح دانا - رساله است جهت یاد نامه علامه سلجوقی به کوشش نصر الدین سلجوقی ناشر موسسه پژوهشی هرات 1396 - ا. لمر }

چه بهتر که یاد این سفیر دانشمند افغانستان را که دست بالای او در فلسفه و ادبیات، او را فیلسوف بلند قامت و ادیب عالیمقام معرفی داشته است، به عنوان حسن ختام، با درج چکامه بلند او که دانش دایرة المعارفی او را نیز آفتابی می‌کند، پایان بریم و این کتاب را به آن آذین بندیم:



شبی ز کجروشی های گنبد گردون
ز ساز شعبده های سپهر بوقلمون
بدم به پیر فلک گرم در خطاب و عتاب
که ای ستمگر بد فعل کج نهاد حرون
ز کین تست که کفار گشته
مستولی ز کید تست
که اسلام گشته خوار و زبون

چرا رواج اقلانیم در اقلیم ا
ست چرا
شعائر توحید گشته است نگون

باوج دبدبه و طنطنه است انگلیون
ز چیست حالت بطحاش این چنین واژون
فسرده گشته ز اثقال کاپتولاسیون
جزیره العرب و حکم انگلوساکسون
چراست مسند کفار فرش سقلاطون

چرا کراسه اسلام در حضيض بلا است
چرا است حالت شامات این قدر ویران
همه بقاع مقدس به دست کفر اسیر
زمین قدس و حکومت به دست متفقین
چراست مفرش اسلام بوریای خمول

د پانو شمیره: له 9 تر 13

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خبر و لولئ

تو نیز عیسوی کوز معدل و محور
توئی به صورت دجال و من میدانم
نحوست تو شده سهم ملت اسلام
ز گـردش تو نشد هیچ بنده خرم
نزیست شیر دلی در جهان بدون گزند
تو نیز بگنری از خود که خون خلقی را
چو گوش کرد فلک از من این خطاب رصین
مزن تو طعنه ترسا که نیستم ترسا
وجود نیست مرا تا که خوانیم موجود
ز کج نهادی خود نحس گشته به جهان
از آن زمان که ز اوج شریعت افتادی
به آب دیده وضو ساز پنج نوبت را
برو به صوب اوامر که عاقبت برهی
به طور قرب برانی ز صدق چون موسی
دروغ شد سبب بهت در حق نمـرود
از آن نمائی سر گشته در فضای خمول
توئی سوار خر چهل در ره حرمان
تو بر شتر زده بار برید و خصم ظریف
کنی تو تعبیه سیماب وحشت اندر گوش
تو خفته در چه یلدای جهل چون خفاش
ز حکمت است که توحید گشته مستحکم
همین نوشته عطارد به صفحه من و بس
همیشه رخت برون کش ز محفل شعرا
اگر تو منزل الا الذین می جوئی
ز عشق او به جهان شو همیشه سر گردان
اگر چه دست تو از نقد و جنس آن خالیست
به عزم تربیتش شو چو این شه غازی
رسول گفت که حب الوطن من الایمان

شده است شکل چلیپا به چهره ات مکنون
به عیسی از چه سبب گشته چنین مفتون
سعادت تو شده وقف ملت ملعون
ز چنبر تو نشد هیچ گـردنی بیرون
ز روز و شب که دوسک بسته درین هامون
ستاند از تو یقین حکم خالق بیچون
جواب داد به من کای سفیه سفله دون
که هست مهر محمد به سینه ام مدفون
اراده نیست مرا تا که دانیم مطعون
چرا کنی تو زحل را به نحسیت مطعون
به چاه ذلت و ادبار رفته واژون
مباش در صف هم عن صلاتهم ساهون
مرو به راه مناهی که نیستی ماذون
به قعر خاک درائی ز بخل چو قارون
ز صدق شد به جهان افصح اللسان هارون
که دور گشته از شمس فضل چون نبتون
حریف بر شده بازی پلین و بربالون
مهار کرده هوا را به رشته سیمون
کشید حلقه گیتی به سیم خود تلفون
شد از خفا تو اعدا هر یکی یدسون
عقول را به خداوند کـرده راهنمون
فان طائفة الحکمة هم العالون
که هست بهره شان یتبعهم الغاؤون
سرای ذکر وطن را به نغمه محزون
ز خار غم به فغان باش چون گرامافون
ولی به حب وطن ساز سینه را مشحون
به فکر تقویتش باش همچو ناپلیون
به این ببین به حقیقت نه گل مسنون

نمای مدحت او را تو در فراز و نشیب

سرای منتبتش را تو دردها دوقلون

پایان سطور زیبایی فضل الرحمن فاضل گرامی

از جناب فاضل گرامی با کمال احترام معذرت می‌خواهم که اندک افزودی‌های در نیشته‌شان آورده‌ام.

می‌گویند، پشت هر مرد موفقی یک زن موفقی ایستاده است. باید یاد آور شد که در تألیفات و تصنیفات این استاد بزرگ فلسفه و ادب خانم دانشمند و سخنورش «حمیرا ملکیار سلجوقی» نقش موثر و چشمگیری داشتند که بجا است که در اینجا از آن فرزانه زن سترگ هم باید یاد نمایم.

حمیرا ملکیار سلجوقی

«حمیرا ملکیار سلجوقی» دختر «عبدالاحمد خان ملکیار» یکی از دولتمردان و اراکین سلطنت «امیر حبیب الله خان سراج» و همسر عزیز و شایسته استاد علامه «صلاح الدین سلجوقی» است.

تولد او در سال 1331 ه.ق (1292 ش - 1912م) در ده افغانان کابل رخ داد و هنوز کمتر از دو سال از بهار زندگی‌اش می‌گذشت که پدر نامدارش را از دست داد. از این به بعد تربیت او به دوش مادرش که یک زن فاضله {و دانشمند بود} افتاد. این مادر مهربان که زرگر لقب داشت در اشعار بزرگان کلاسیک مطالعات عمیق داشت دخترش را در همان آوان خرد سالی قرآن کریم را با مبادی علوم عربی و دری آموخت و به مطالعات آثار بزرگان زبان پر بار دری واداشت.

«حمیرا» در آغاز جوانی دچار یکنوع بیماری کسالت گردید و جهت تداوی به هند فرستاده شد. در آن جا به مشوره خانواده‌اش با «علامه استاد سلجوقی» که در آن هنگام قنصل افغانی در دهلی بود ازدواج کرد. تا جایی که از نوشته‌ی «استاد سلجوقی» در مقدمه گلبرگ‌ها گزیده‌ی از اشعار «حمیرا» بر می‌آید آن استاد علامه همسری با او را یکی از عمده‌ترین افتخارات و اعتبارات خود می‌داند.

«حمیرا» که علاوه از زیبایی خیره‌کننده که داشت دارای حسن و کمال معنوی هم بود برای مادر خود که در هنگام شهادت شوهرش مرحوم «عبدالاحمد خان ملکیار» سینه خود را هدف مرمی دشمنان قرار داده بود و از بیماری ناشی از آن رنج می‌برد یک دختر خوب، پرستار لایق و یک همدم مهربان و برای «علامه استاد صلاح‌الدین سلجوقی» یک همسر شایسته و یک همکار خوب قلمی بود. توجه و مراقبت از این دو عزیزش را در سر لوحه کارهای خود قرار می‌داد.

«حمیرا» افزون بر فضایل علمی و ادبی‌اش یک راننده خوب، یک آشپز لایق، یک خیاط ماهر، یک ترجمان کم نظیر که در زبان‌های اردو، انگلیسی و عربی مهارت تام داشت، یک شاعر با احساس، یک نویسنده با درک و چیره دست و یک عکاس ممتاز و بی‌مانند نیز بوده است.

اشعار او بازتابی است از رنج‌ها و آلام طبقات مستضعف و کودکان پدر مرده. این سرودها که بخش کوچکی از آن به کوشش «مرحوم غلام حبیب نوابی» در سال 1354 خورشیدی به نام گلبرگ‌ها در مطبعه‌ی دولتی حله طبع پوشیده است اشعاری است روان و سلیس و در عین حال دارای متانت و جزالت.

سروده‌های او در حقیقت تابلوی رنگینی است از مصایب و آلامی که بر مردم محروم و تهی دست جامعه روا داشته شده است.

او با دیدن یک کودک بینوا و یتیم تأثر می‌افت و بی اختیار در فریاد و ناله در می‌آمد و آن را با زبان شعر بیان می‌کرد.

این بانوی دانشمند در پهلوی کارهای ادبی و علمی‌اش در مسائل اجتماعی نیز سهم فعال می‌گرفته و نقش خود را به صورت یک فرد شایسته ادا می‌نموده است.

وی به حیث رئیس خانم‌های افغانی در هند، سیرالانکا و مصر سفر نموده و در موسسه ملل متحد به صفت عضو هیئت شرکت کرده است. در کشور مصر به خاطر همکاری به امور خیریه به گرفتن نشان کمال که بسیار عالیست نایل گردیده است.

«حمیرا» پس از کودتای هفت ثور 1357 به کشور هندوستان مهاجر شد و در سال 1369 ش (1990م) در آن دیار غربت چشم از جهان پوشید.

از آثار خیریه‌ی او یکی مسجودی است به نام «حمیرا سلجوقی» در حوالی گذر گاه در شمال لیسه حبیبیه که به صورت پخته و اساسی اعمار شده و دیگر تربت استاد علامه سلجوقی است در شهدای صالحین که اعمار آن هزینه زیادی را در برگرفته است.

نمونه‌ی بی از شعر او بنام عاطفه:

فقری به کویم فتادش گذار	یکی روزی گشتم به دردی دچار
چسانش توانم؟ کنم مسترد	سرم بست و تیمار داری نمود
گر هر قدر پر بها زر بود	ور آن همه نیکی ای با خرد

ولی عاطفه پر بها تر بود» 6

6) حبیب عثمان - استاد علامه صلاح الدین سلجوقی - سایت انترنتی هفته مورخ 22 ثور 1393

نویسنده و پژوهشگر دیگری در بخش زنان طنز نویس از «خانم سلجوقی» هم نام برده یکی از پارچه‌های او را چنین نقل می‌نماید:

مستی از میخانه‌ی آمد بیرون	گنس و گیچ و برهم و خوار و زبون
لیک آن لایعقل و لا یحتسب	از قضا آمد به راه محتسب
محتسب هم بود از دور فساد	دور رشوت خواری و بی عدل و داد
حاکم و قاضی شهر و محتسب	هر یکی می شد به رشوت منتصب
قاضی و حاکم بدی بیداد گر	محتسب گردیده دام اخذ و جر
محتسب چون دید این رفتار مست	کرد چندین لعن بر کردار مست
گفت ای بد فطرت نفرین سزا	هیچ می دانی تو از روز جزا؟
حد زدن بهر تو شد امر خدا	من ببايد امر حق آرم به جا
مست گفتش کای جناب متقی	نیستی بهتر زمن مست شقی

گر چه من مستم ز شرب ناروا مست تر گشتی تو از جام ریا
اندکی رشوت اگر بدهم ترا می کنی پنهان خطا های مرا
گر شراب مفت بهر تو رسد آن قدر نوشی که تا قنبت کفد
گر منم سر مست و مخمور شراب از یتیمان خورده یی تو خون ناب
توده ملت اگر دانا شوند خود فروشان دغل رسوا شوند
به که بر گردیم از بهر خدا

من ز راه باده و تو از ریا «7»

مآخذ

- 1- آرشیف سفارت افغانستان در قاهره
- 2- پر طاووس ، جلد دوم اثر مولانا محمد حنیف حنیف بلخی، چاپ سفارت افغانستان در قاهره ، فبروری 2018م
- 3- آثار هرات ، اثر استاد خلیل الله خلیلی ، ناشر محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی ، نشر عرفان، تهران هجری خورشیدی 1383، چاپ دوم،
- 4- مجله "افغانستان" شماره های گوناگون دهه شصت میلادی
- 5- تجلی خدا در آفاق و انفس ، ناشر کتابفروشی فضل، مهرماه 1363 هجری خورشیدی
- 6- محمد اکبر سنا غزنوی - تاریخ ادبیات افغانستان - در مورد خانم سلجوقی -
- 7 - غلام حیدر کبیری هروی، فرشته های سخن... ص 90 تا 93 .